



مهریار

نشریه

اولین نشریه حوزه مهدویت دانشگاه اراک

هفته چهارم فروردین ماه ۱۴۰۰

شماره هفدهم



در این
شماره میخوانیم

کدام جمعه

سر ارادت ما و آستان دوست

دعوت

...





دعوت

دوباره همه دعوتیم، به ضیافتی با شکوه. مهمانی که می‌توان بی‌دغدغه تجملات و توجه به ظواهر دست روحی خسته را گرفت و زنگار یک ساله دل را در چشمه‌ای از مهر و رافت شست و در آغوش صاحب خانه آرام گرفت. درهای مهربانی دوباره گشوده می‌شود و پیر و جوان، فقیر و غنی و یا حتی گناهکار و معصوم فرقی ندارد. اینجا برای همه‌ی راهی هست هر چقدر طلب کنی بازهم در برابر عظمت صاحب این خانه چیزی نیست.

آری بوی رمضان تنیده شده در بوی بهار و عجیب مست می‌کند دل‌های عاشق را... حالا که زمین بار دیگر سبز شده باید به مهمانی خدا برویم تا سبز شویم، جوانه بزنییم و همانند پیچکی سبز، قد بکشیم تا ملکوت...

زمزمه‌های عاشقانه در دل تار شب و سجده‌های سحری، عجب تصویری می‌شود برای خدا... شاید در همین احوال بود که فرمود "فتبارک الله احسن الخاقین". عجب شوری

درد دارد قرار ما به بلندای یک ماه... من بار گناه می‌آورم و تو حاضری حتی به بهانه‌ی نفس کشیدنم مرا ببخشی، اما از تو چه پنهان حلاوت افطاری‌ها به کام دلم زهر می‌شود، ارباب ما گرسنه و تشنه شهید می‌شود... گاه می‌اندیشم که شاید ندای مظلومیت سرداری تنها را می‌توان بیشتر در رمضان شنید و امان از دل حضرت یار که بار این غم چه کرده است با ایشان! نمی‌دانم غروب چند جمعه‌ی دیگر به آن طلوع سبز مانده، اما نگارا این رمضان هم می‌آید و تو نیامدی... اما بدان که تمام شب‌های قدر در میان "به علی بن موسی" هایمان دعایی نداریم جز فرج شما، شاید که این بار شاه خراسان، بین ما و خدا پادرمیانی کند. دستمان را بگیر که قلبمان خالی تر از همیشه است.

کیمیاناچه

کلام استاد

می‌شود و سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد آیاتی که بدان‌ها در روایات استناد شده است نشان می‌دهد که مهدی موعود علیه السلام مظهر نویدی است که به ایمان و عمل صالح داده شده است، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است بنابراین هر مبارزه حق گرایانه ای حلقه‌ای از حلقه‌های مبارزه جهانی و پیروزی جلوه‌ای از پیروزی انقلاب بزرگ است. نکته بسیار مهمی که در اندیشه شهید مطهری درباره مهدویت درخشش دارد «ضرورت و قطعیت تحقق جامعه مهدوی از منظر حکمت الهی است» از دیدگاه ایشان مهدویت یک فلسفه بزرگ جهانی است چون اسلام یک دین جهانی است چون تشیع به معنای واقعی اش یک امر جهانی است.

فاطمه نظری

استاد شهید مرتضی مطهری در چند اثر ارزشمند خود به بررسی مسئله مهدویت و انتظار پرداخته‌اند یکی از تعبیر ارزشمند ایشان در وصف جایگاه حضرت حجت(عج) در زمین تدبیر (صاحب) است در کتاب گفتارهای معنوی ضمن بیان حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون امدادهای الهی نسبت به بشریت به واسطه حضرت مهدی علیه السلام چنین نتیجه می‌گیرد که خداوند دنیا را بی صاحب نگذاشته است و بی صاحب هم نخواهد گذاشت. اندیشه و آرمان گرایانه استاد مطهری انتظار در معنای اولش بزرگترین محرک اجتماعی است که انسان را برای حاکمیت ارزش‌ها و محو ضد ارزش‌ها تشویق می‌کند برای همین انتظار بدین معنا را با فضیلت‌ترین عبادت دانستند: افضل الاعمال انتظار الفرج ...

استاد مطهری در بیان نقش حضرت حجت عج تکامل تاریخ بشریت می‌فرمایند: «یعنی زندگی بشر در آینده منتهی می‌شود به عالی‌ترین و کامل‌ترین زندگی‌ها که از جمله آثاری که در آن هست آشتی انسان و طبیعت است و آن این است که زندگی که زمین تمام معاون خود را در اختیار انسان قرار می‌دهد آسمان تمام برکات خود را در اختیار انسان قرار می‌دهد و همه اینها خود تکامل تاریخ است.» ایشان در جای دیگر، مشخصات حکومت حضرت مهدی (ع) را اینگونه بیان می‌نماید: «ما مسلمانان بالاخص شیعیان می‌گوییم دوره سعادت بشری آن عصری است که دوره عدل کامل است یعنی عصر ظهور حضرت حجت (عج) اولین مشخصه آن حکومت عقل است یعنی دوره ای که در آن علم اسیر و برده نیست.» شهید مطهری با استناد به آیات ۵ سوره قصص و ۱۰۵ سوره انبیا که چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «از این آیات استناد می‌شود که ظهور مهدی موعود حلقه‌ای از حلقه‌های مبارزه اهل حق و اهل باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی



چراغ هدايت

شعاردادن کافی نیست باید حرکت کرد و در عمل ارادت خود را نشان دهید. شهید خلیلی در حدود ۸ مرتبه به خواب افرادی که اعتقادات کمتری داشته اند رفته و آنها را متحول کرده است به گونه ای که امروز این افراد مرید مدافعان حرم شده اند. معتقدم راه شهدا روشن ترین مسیری است که خداوند برای نزدیکی و انس بیشتر ما با ائمه اطهار و امام زمان (عج) قرار داده است. در زمان دفاع مقدس ما به دنبال جوانان بودیم تا در جبهه ها حضور پیدا کنند اما امروز بیش از ۵۰ نفر از جوانان به من فشار می آورند تا راهی برایشان ایجاد شود و در جبهه نبرد سوریه حضور پیدا کنند و این نشان دهنده چراغ هدايت بودن شهداست.

کوثر سلیمه

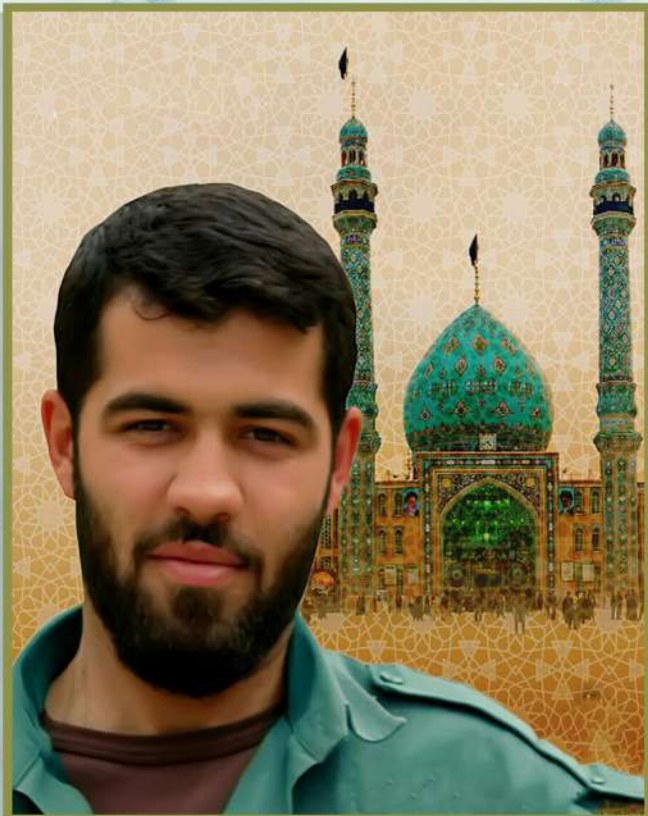
شهید رسول خلیلی در سن ۲۶ سالگی به شهادت رسید، وی علاوه بر خدمت در سپاه پاسداران، دانشجوی کارشناسی ارشد در رشته ادبیات بود و ۴ مرتبه به سوریه اعزام شد و هر بار حدود دو ماه در منطقه عملیاتی بود و در ۲۷ آبان ماه سال ۹۲ به شهادت رسید.

شهید خلیلی ارادت ویژه ای به چهارده معصوم بویژه حضرت زهرا (س)، امام رضا (ع) و امام زمان (عج) داشت بطوری که در ایام زیارتی امام رضا (ع)، در هر جایی که بود، خود را به مشهد می رساند در حد یک شبانه روز به زیارت می پرداخت. حاج مجید بنی فاطمه نقل می کنند که شهید در هیئت ریحانه الحسین (ع) توسل و ارادت خاصی به امام زمان (عج) داشت و در این هیئت با دوستان خود پیرامون این موضوع به گفت و گو می پرداختند و در مسجد جمکران نیز در درس استاد تهرانی حضور پیدا می کرد و در فرصت هایی که پیش می آمد در هیئت حضور پیدا می کرد.

شهید خلیلی منتظر واقعی امام زمان (عج) بود به گونه ای که برای دفاع از مظلوم که مسلک حضرت حجت (عج) است، پای در میدان مبارزه و جهاد گذاشت، پدر شهید در این زمینه می گفت:

باید زیربنای تربیتی نسل جوان را تقوا، تدین و عبرت گرفتن از عاشورا و شهدای دفاع مقدس قرار دهیم چرا که در این صورت می توانند منتظران ظهور باشند چنان که مقام معظم رهبری بارها به عبرت گیری از عاشورا و دفاع مقدس به جوانان توصیه و جوانان را به حضور در هیئت ها تشویق کرده اند اینک جوان بگوید من مطیع فرمان رهبری هستم، تنها به حرف نیست بلکه باید تمام معنویات رهبری را اجرایی کنند، ما برای آنکه بتوانیم یار امام زمان (عج) شویم باید ذهن و روح خود را از انحراف پاکسازی کنیم و از شهدا الگو بگیریم و در این مسیر نیز فرمان بر مقام معظم رهبری باشیم. شهدا برای ما چراغ هدايت هستند و راه را نشان می دهند و امروز بیش از ۱۷۰۰ گروه خواهران در تلگرام برای شهید خلیلی در حال فعالیت و تولید محتوا هستند، دلیل حضور این افراد چیست؟ برخی از این خواهران تا پیش از این از حجاب و دفاع از حرم اطلاعی نداشتند اما هر کدام یک مشکلی داشتند، به این میدان آمدند، توسل کردند و مشکل آنها حل شد.

مادر شهید اخیرا تعریف می کرد که شهید به خواب اش آمده و گفته است: «برای زمینه سازی ظهور امام زمان (عج)، تنها



نخ تسبیح

کنند، برترین مردم در تمام دوران هستند. بر اساس روایات: اگر روزی هیچ کس از اولاد امام حسین (علیه السلام) را نبینید، از خداوند استعانت طلبید و به طریقه و سنتی که عمل می‌کردید، توجه نموده از آن پیروی نمائید. اگر زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی (عج) در اولویت اهداف زندگی انسان مسلمان شیعه مذهب قرار گیرد و با علم و معرفت نیز همراه باشد، علایق، گرایش‌ها و عملکرد فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در واقع این هدف مقدس، اهداف جزئی‌تر زندگی را دوباره تعریف می‌کند و بر این اساس سبک خاصی از زندگی شکل می‌گیرد. بنابراین فرهنگ انتظار، همان تمامیت اسلام ناب محمدی است که در دوران غیبت به طور خاص، با انتظار امامی که غایب است، خودش را نشان می‌دهد. در واقع فرد منتظر تکالیف دینی را با این نیت انجام می‌دهد که در دوران غیبت نیز از امام خویش اطاعت کند و به تبع آن ظرفیت ولایت‌پذیری را در خود بالا ببرد و زمینه ظهور ایشان را فراهم کند. در این زمینه همچنین گفته شده است: ما به عنوان شیعه منتظر در دوران غیبت، باید به این باور رسیده باشیم که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، با وجود غیبت ظاهری، امام، حی و حاضر و ناظر و شاهد بر اعمال ماست و آن حضرت یک تکالیفی از ما می‌خواهد که باید به آنها عمل کنیم. امام غایب ما، امام مهدی (عج)، حجت خدا و منجی موعود است. امام به عنوان حجت الهی، معیار و شاخص است و ما وظایفی نسبت به آن حضرت بر عهده داریم. بقیه حجت‌های الهی، معمولاً در جامعه خودشان حاضر بودند؛ اما این امام، این ویژگی را دارد که غایب است و با وجود غیبتش، مردم موظف به اطاعتش شده‌اند و معیار سنجش عملکرد افراد در دوران غیبت نیز اطاعت از امام است؛ یعنی مردم در دوران غیبت، با وجود غیبت ظاهری امام، باید حرمت امامشان را پاس بدارند و مطیع او باشند.

مینا صالحه نژادیان

سبک زندگی انسان منتظر از سایرین متمایز است. زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی (عج) هویت خاصی به دیدگاه‌ها و گرایش‌ها و رفتارهای فرد مسلمان می‌دهد. یعنی اگر در نظر بگیریم که سبک زندگی یک فرد منطبق بر آموزه‌های اسلام است، این دیدگاه شیعی درباره حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) و زمینه‌سازی برای ظهور ایشان مانند نخ تسبیحی همه اجزای زندگی مومنان آن فرد را به هم متصل می‌کند و به آن جهت می‌دهد. در این نوشتار به بررسی کلی درباره سبک زندگی زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی (عج) می‌پردازیم؛

سبک زندگی مجموعه‌ای از عملکردهاست که بر اساس بینش ما به زندگی شکل می‌گیرد و فرد با بهره‌گیری از آنها، افزون بر رفع نیازهای جاری خود، روایت خاصی از هویت شخصی خود را در برابر دیگران، مجسم می‌سازد. و در واقع از این نظر میان قشرهای گوناگون اجتماعی، تمایز به وجود می‌آورد. یکی از صاحب نظران بر اساس دیدگاه رهبر معظم انقلاب در تعریف سبک زندگی می‌گوید سبک زندگی، مجموعه‌ای نظام‌مند از فعالیت‌هاست که از بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌های اشخاص بر می‌خیزد و به همین مناسبت، مقام معظم رهبری تأکید می‌کند که «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است. هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خودش، یک سبک زندگی برای ما به همراه دارد.» به این ترتیب اگر زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی (عج) در اولویت اهداف زندگی انسان مسلمان شیعه مذهب قرار گیرد و با علم و معرفت نیز همراه باشد، علایق، گرایش‌ها و عملکرد فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در واقع این هدف مقدس، اهداف جزئی‌تر زندگی را دوباره تعریف می‌کند و بر این اساس سبک خاصی از زندگی شکل می‌گیرد. انتظار بر تمام مسئولیت‌های دینی سایه می‌افکند و آن را در نسبتی خاص با امام زمان (عج) قرار می‌دهد. در واقع سبک زندگی انسان منتظر، بر اساس تکالیف دینی تعریف شده است، با این تفاوت که نیت ما را در انجام اعمال دینی تغییر می‌دهد و تکامل می‌بخشد. پس شاخصه و مولفه اصلی فرهنگ انتظار همه آن تکالیفی است که در تعالیم دینی آمده است و هیچ تغییری در وظایف و تکالیفمان به وجود نمی‌آید و تنها وظیفه ما سخت‌تر شده است و از آن طرف فضیلت‌های ما هم برتر شده است و به همین جهت، مردم زمان غیبت، اگر به وظایف خود عمل

کتاب باز

کتاب آشتی با امام زمان

اثر محمد شجاعی

انتشارات محیی

درباره کتاب: این کتاب درباره مسئولیت ما در برابر امام زمان است. متن ساده و روان ادبی، دسته بندی بر اساس موضوعات روز، جزو ویژگی‌های ممتاز این کتاب است. بخشی از کتاب: امام مظهر و معدن علم خداست. حقیقت و پیشرفت‌های علمی در زمان آن حضرت جلوه‌گر و شکوفا می‌شود. مشکلات و معطلی‌های بشر پایان می‌یابد، مثلاً سال‌ها به خاطر جهل بشر به درمان بیماری‌ها صدها و بلکه میلیون‌ها نفر کشته خواهند شد و جهان به خاطر پیشرفت علمی دچار عوارض خطرناک و مزاحم نخواهد شد. با آمدن حضرت دیگر قرن‌ها عمر دانشمندان و دانشجویان بهبوده صرف بررسی نظریات پوچ و غلط یا نسبی و پیچیده نمی‌شود. عمرها و زندگی برکت و رشد می‌یابد و انسان‌ها در کمترین زمانی به بیشترین درجه دانش و رشد می‌رسند. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «دانش ۲۷ حرف (شعبه و شاخه) است و مجموع آن چه پیامبران آورده‌اند دو حرف است و مردم تا آن روز بیش از آن دو حرف را نمی‌دانند و چون قائم قیام کند، ۲۵ حرف بقیه را برون آورده، در میان مردم منتشر می‌سازد و بدین‌سان مجموعه ۲۷ جز دانش را نشر می‌دهد.

فاطمه زهرا ابراهیمه



فولاد

تمام این کارگاه را بخار می‌گیرد. فولاد به خاطر این تغییر ناگهانی دما، ناله می‌کند و رنج می‌برد. یک بار کافی نیست، باید این کار را آن قدر تکرار کنم تا به شمشیر مورد نظرم دست بیابم.

آهنگر لحظه ای سکوت کرد. و سپس ادامه داد:

گاهی فولاد نمی‌تواند تاب این عملیات را بیاورد. حرارت، ضربات پتک و آب سرد باعث ترک خوردنش می‌شود. می‌دانم که از این فولاد هرگز شمشیر مناسبی در نخواهد آمد لذا آن را کنار می‌گذارم.

آهنگر باز مکث کرد و بعد ادامه داد:

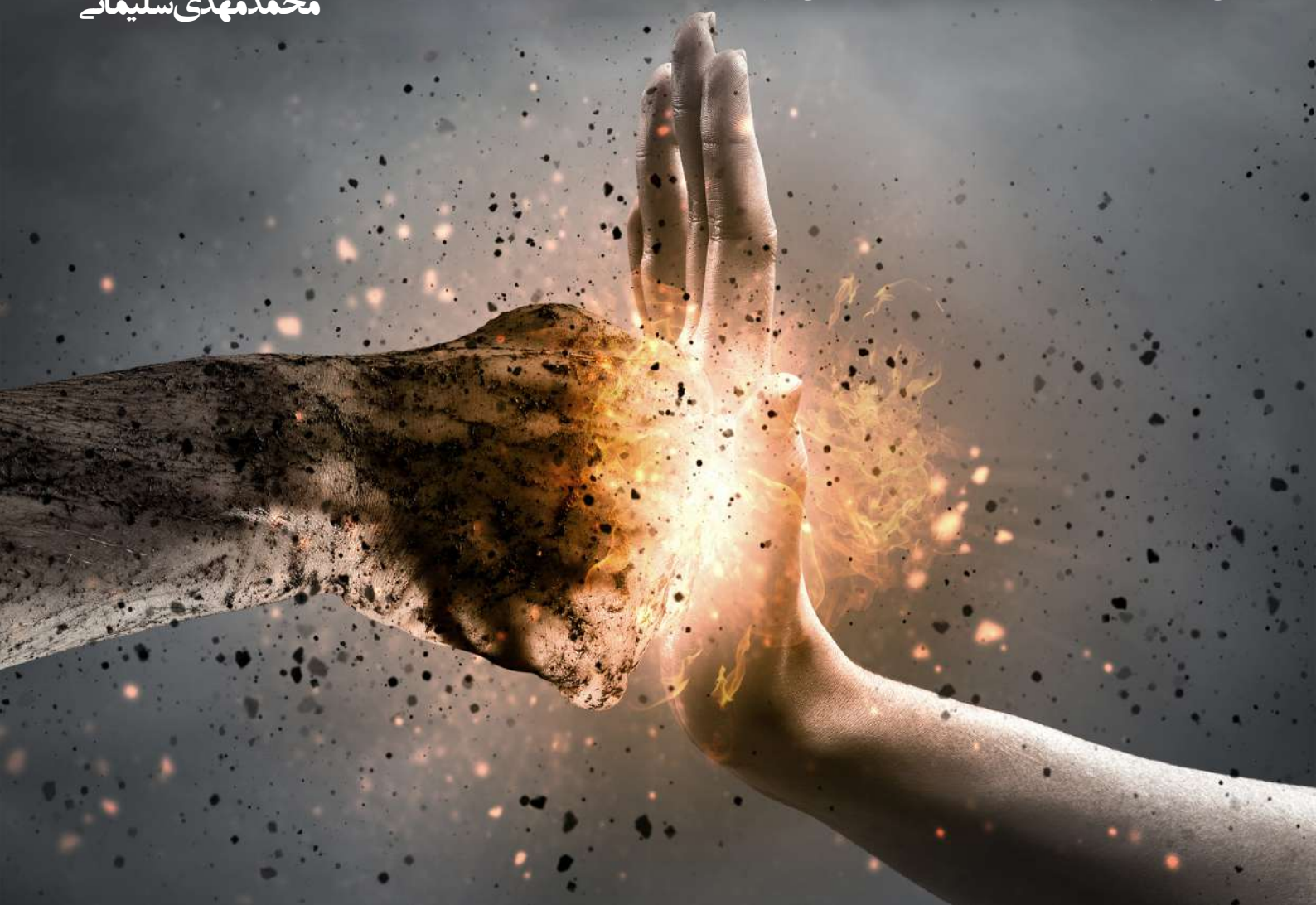
می‌دانم که خدا دارد مرا در آتش رنج فرو می‌برد. ضربات پتکی را که بر زندگی من وارد کرده، پذیرفته‌ام و گاهی به شدت احساس سرما می‌کنم، انگار فولادی باشم که از آب دیده شدن رنج می‌برد. اما تنها چیزی که می‌خواهم این است خدای من، از کارت دست نکش، تا شکلی را که تو می‌خواهی، به خود بگیرم... با هر روشی که می‌پسندی، ادامه بده. هر مدت که لازم است، ادامه بده... اما هرگز مرا به میان فولادهای بی فایده پرتاب نکن.

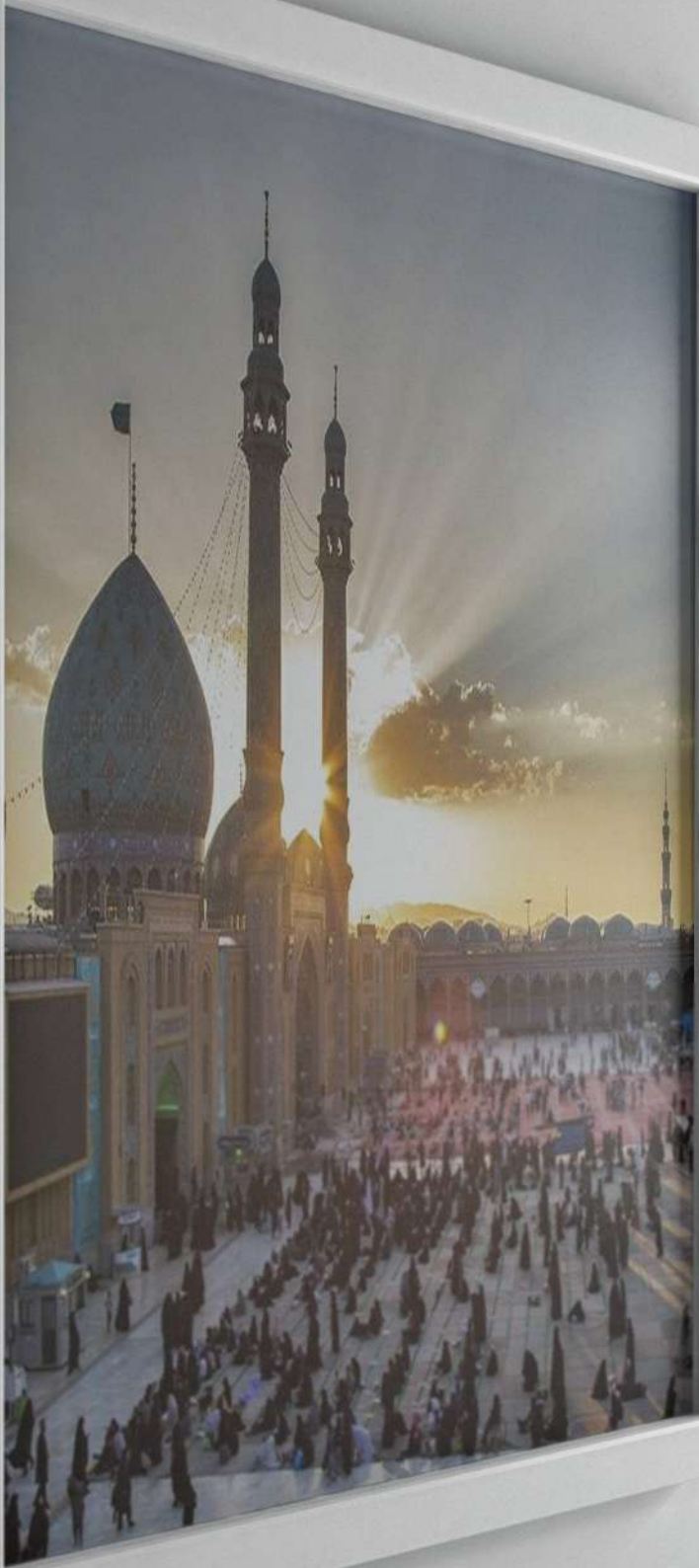
محمد مهدی سلیمان

آهنگری بود که پس از گذران زندگی پر شر و شور، تصمیم گرفت روحش را وقف خدا کند. سالها با علاقه کار کرد، به دیگران نیکی کرد، اما با تمام پرهیزگاری، در زندگیش چیزی درست به نظر نمی‌آمد، حتی مشکلاتش مدام بیشتر می‌شد! روزی دوستی به دیدنش آمده بود. پس از اطلاع از وضعیت دشوارش به او گفت: «واقعا عجیب است! درست بعد از اینکه تصمیم گرفتی مرد خداترسی بشوی، زندگیت بدتر شده. نمی‌خواهم ایمانت را ضعیف کنم اما با وجود تمام تلاشهایت در مسیر روحانی، هیچ چیز بهتر نشده!» آهنگر بلافاصله پاسخ نداد. او هم بارها همین فکر را کرده بود و نمی‌فهمید چه بر سر زندگیش آمده است! اما نمی‌خواست سؤال دوستش را بی پاسخ بگذارد، کمی فکر کرد و ناگهان پاسخی را که می‌خواست یافت. این پاسخ آهنگر بود:

در این کارگاه فولاد خام برایم می‌آورند که باید از آن شمشیر بسازم. می‌دانی چطور این کار را می‌کنم؟

اول فولاد را به اندازه‌ی جهنم حرارت می‌دهم تا سرخ شود. بعد با بی‌رحمی سنگین‌ترین پتک را بر می‌دارم و پشت سر هم به آن ضربه می‌زنم تا این که فولاد شکلی را بگیرد که می‌خواهم. بعد آن را در ظرف آب سرد فرو می‌کنم، بطوریکه





کدام جمعه

کدام جمعه دعا مستجاب خواهد شد؟
مسیح عاطفه پا در رکاب خواهد شد

کدام جمعه ز عطر بهشتی گل یاس
بهار، غرق شمیم گلاب خواهد شد؟

کدام جمعه شود بخت عاشقان، بیدار؟
و چشم فتنه‌ی عالم به خواب خواهد شد

کدام جمعه، خدایا! ز فیض گریه‌ی شوق
بهار و باغ و چمن، کامیاب خواهد شد؟

جمال روشن آن ماه پشت پرده‌ی غیب
کدام جمعه، برون از حجاب خواهد شد؟

کدام جمعه به خورشید می خورد پیوند؟
و بعد از این همه ابر، آفتاب خواهد شد

هزار جمعه دعای فرج به لب داریم
کدام جمعه، دعا مستجاب خواهد شد؟

عطر خدايے

پيدا مي کنند. در اين ماه عشق خدا به بنده اش معنایي ديگر مي يابد. انگار خدا دو نوع عشق دارد که در ماه رمضان نوع برتر عشقش را به ما نشان مي دهد. خدا براي اينکه خوبي ها را به ما ياد آوري کند، ماهي را در نظر گرفته. ماهي که در آن ضيافتي به پا مي کند و ما بندگان مهمان اوييم. در اين ماه خدا است که با عشق از ما پذيرايي مي کند تا ما خوبي ها را از ياد نبريم. ماه رمضان را با نخوردن و نياشاميدن خلاصه نکن. اين ماه فضيلتي خاص دارد. اين ماه معنایي ديگر دارد. اين ماه فقط مختص نخوردن و نياشاميدن نيست بلکه چيزي فراتر از اينهاست. اين ماه را تو روزه دل مي گيري؛ اين ماه را تو با تمام وجود آماده مي شوي که هر چه پليدي بوده را از دلت بيرون کنی و هر چه عشق بوده را به آن راه دهی. اين ماه، ماه تمرين بندگي خداست. مطمئن باش بعد از اين که عشق را طعام دلت کنی، به درگاه خداوند که ميزبان تو در اين ماه است نزديک و نزديکتر مي شوي. بيا تا در ماه مهماني خود، دل هايما را هم خدایي کنيم. کينه ها را بزداييم و جای کينه را با عشق و محبت پر کنيم. اينگونه لطف و صفايي ديگر در وجودمان شکل مي گيرد. لطف و صفايي که بوي خدا را مي دهد.

ميناصالحے نژاديان

ماه رمضان که مي شود، وجودت سرشار از آرامش خواهد شد. شايد ندانی که اين آرامش به خاطر چيست و چرا به وجود مي آيد. فقط مي دانی که هياهو يی که قبلا در دل و ذهنت به پا بود، ديگر نيست و نابود شده. اين از عطر وجود خداوند در ماه رمضان است. عطري که به مشامت مي رسد و تو را آرام مي کند. در اين ماه که ماه ميزباني خداست، خداوند تمام آن هياهو را از بين مي برد و تو را در آغوش مي کشد و وجودت را سرشار از عشق مي کند. اين ماه فقط ماه روزه ي شکم نيست، ماه روزه ي دل است که خدا طعام عشق و محبت را به دل تو مي دهد. خداوند هيچ وقت از تو دور نيست و دور نشده؛ او در همين نزديکي هاست، او در همين حوالی است. اين تو و من هستيم که چشمانمان را بسته ايم و خدا را نمي بينيم. اين تو و من هستيم که حضور خدا را حس نمي کنيم. خدا اکنون پيش ماست، ميزبان ماست. در ماه رمضان خدا با روزي عشق و محبت دلما را پذيرايي مي کند؛ چشمانت را باز کن و در ضيافت خدا شرکت بنما. دلت را با عشق و محبت او زيبا کن و آن موقع است که مي فهمي خدا هيچوقت از تو دور نبوده، اين تو بودی که از خدا دور بوده ای. ماه رمضان که مي شود، دلت مي خواهد جور ديگري باشي. انگار آدم ديگري مي شوي و مي خواهی که کمتر اشتباهات را انجام دهی. ماه رمضان که مي شود، وجودت با عشق خدا کامل تر مي شود و گویی از انجام دادن اشتباهات و گناهات شرمنده مي شوي. شرمنده تر از هميشه! آخر اين ماه، ماه خداست. مگر مي توانی در اين ماه گناهی کنی؟ مگر مي توانی در اين ماه کار ناپسندی انجام دهی؟ درست است که خداوند هميشه عاشق بنده اش بوده، درست است که خداوند هميشه با بنده اش مهربان است و درست است که خداوند بنده اش را هميشه دوست دارد، اما در ماه رمضان همه ي اين ها تعريفی ديگر پيدا مي کنند. گویی که در ماه رمضان همه ي اينها معنایي فراتر



دردوره انتظار ظهور، آداب و اخلاق خاصی برای پیروان اهل بیت (ع) ترسیم شده است که انجام دادن آن راه نجات و رمز عبور سالم از این بحران می باشد. باید صبور بود و بی صبرانه منتظر آمدنش بود، منتظر واقعی دلش را فرش قدمهای میهمانش می کند... و همواره نوای "یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک" (ای دگرگون کننده دلها دل مرا به دینت استوار ساز سر می دهد) و این منم جا مانده از قافله صبر و انتظار؛ انتظاری که آدایش را نمی دانم و هنوز برای آمدنش دلم را مهیا ننموده ام... "یا صاحب الزمان ادرکنی" یلدای غیبتت قرنهایت که به طول انجامیده است. ای حاضر حضور قرنهایت که در غربت و تنهایی به سر میبری... مولای من تو را آنچنانکه زینده توست نشناختیم. آن گونه که یاران عصر یوسف (ع) نشناختند. ای شب تیره به چاه نگهت زندانی... ماه در پیش رخت شهره به سرگردانی... آه از عشق تو دیوانه شدن چیزی نیست... شمع باید شد پروانه شدن چیزی نیست... اکنون برماست تا دست ادب بر سینه بگذاریم و با خلوص نیت ندای "اللهم عجل لولیک الفرج" را سر دهیم تا بلکه مقدمه ظهور حضرت فراهم آید...

سیف الله قنبری

صاحب امتیاز
کانون مهدویت دانشگاه اراک
 مدیرمسئول
محمد مهدی سلیمانی
 سردبیر و طراح
کوثر سلیمی
 ویراستار
فاطمه حمزه لو